



■ طرح مطالعاتی آثار استاد شهید مرتضی مطهری

اسلام و ملی گرایی

فهرست مطالب

۱۰.....	مقدمه
فصل اول: اسلام از نظر ملیت ایران	
۱۶.....	درس اول: اسلام از نظر ملیت ایران
۱۶.....	کچ سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۷.....	ما و اسلام
۱۷.....	ملیت پرستی در عصر حاضر
۲۰.....	منطق و روش ما در بحث
۲۱.....	واژه «ملت»
۲۳.....	کلمه «ملت» در اصطلاح امروز فارسی
۲۳.....	ملیت از نظر اجتماعی
۲۵.....	تعصبات ملی
۲۶.....	ناسیونالیسم
۲۶.....	مقیاس ملیت
۳۰.....	درس دوم: اسلام و ملیت پرستی
۳۰.....	کچ سوالات انگیزشی و امتحانی
۳۱.....	اسلام و ملیت پرستی
۳۲.....	نفوذ فرامرزی تمامی مکاتب
۳۵.....	مبازه اسلام با ملی گرایی و تفاخرات قومی
۳۹.....	درس سوم: اسلام ایرانیان
۳۹.....	کچ سوالات انگیزشی و امتحانی
۴۰.....	اسلام ایرانیان
۴۱.....	آغاز اسلام ایرانیان
۴۹.....	علل شکست ایرانیان از مسلمانان
۵۴.....	علاقة و گرایش تدریجی ایرانیان به اسلام
۶۰.....	درس چهارم: زبان فارسی و مذهب تشیع
۶۰.....	کچ سوالات انگیزشی و امتحانی
۶۱.....	زبان فارسی و مذهب تشیع، دو عکس العمل مخالف
۶۱.....	۱. زبان فارسی
۶۷.....	۲. مذهب تشیع

۷۲.....	درس پنجم: اسلام ایرانیان، اسلام اختیاری
۷۲.....	کسر سوالات انگیزشی و امتحانی
۷۳.....	عدم اجبار ایرانیان در پذیرش اسلام
۷۶.....	قتل یزد گرد توسط ایرانیان و استقلال سیاسی ایرانیان
۷۹.....	دانستان ازدواج شهربانو با امام حسین علیه السلام
۷۸.....	منشأ احترام ایرانیان نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام
۷۸.....	سنی گری در ایران تا قبل از صفویه
۷۹.....	عدم تعصبات ملی در میان علمای مسلمین
۸۰.....	علت نفوذ تشیع در ایرانیان
۸۳.....	اهانت در شکل حمایت

فصل دوم: خدمات متقابل اسلام و ایران

۸۶.....	درس ششم: خدمات متقابل اسلام و ایران (۱)
۸۶.....	کسر سوالات انگیزشی و امتحانی
۸۷.....	موضوع بحث
۸۸.....	گستره تأثیر اسلام در جهان
۸۹.....	علت و اهمیت طرح بحث خدمات متقابل اسلام و ایران
۹۰.....	مسائلی که مورد بحث نیست
۹۱.....	دوگانه پرستی در ایران
۹۱.....	نهضت زروانی ها
۹۲.....	ریشه کن شدن ثنویت توسط اسلام
۹۳.....	گوشاهی از جنایات موبدان در عهد ساسانی
۹۴.....	نمونه هایی از مبارزه اسلام با انسان پرستی و تشریفات
۹۵.....	مبارزه اسلام با تقدیس آتش
۹۶.....	ماجرای جشن کرمان
۹۶.....	مقررات اجتماعی و نظام طبقاتی در ایران ساسانی
۹۸.....	رحلت باشکوه پیامبر علیه السلام
۱۰۱.....	درس هفتم: خدمات متقابل اسلام و ایران (۲)
۱۰۱.....	کسر سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۰۲.....	نظمات اجتماعی ایران در دوره ساسانی
۱۰۳.....	نمونه ای از نظمات اجتماعی در اسلام
۱۰۴.....	نظام طبقاتی در ایران ساسانی

۱۰۶.....	داستان رستم فرخزاد و اعراب مسلمان
۱۱۰.....	نظام طبقاتی ایران ساسانی از زبان سعید نفیسی
۱۱۱.....	سیطره روحانیون در ایران ساسانی و مقایسه آن با روحانیت اسلام
۱۱۲.....	شریعت اسلام در مقایسه با دین موبدها
۱۱۵.....	درس هشتم: خدمات متقابل اسلام و ایران (۳)
۱۱۵.....	کله سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۱۶.....	مقررات و اصول خانوادگی در دوران ساسانی
۱۱۷.....	تعدد زوجات در ایران
۱۱۸.....	استقلال زن در ایران
۱۱۸.....	ازدواج با محارم
۱۱۹.....	نکه‌ای در باب ارث مجوسوی‌ها در فقه اسلامی
۱۲۰.....	علت ازدواج با محارم نزد ایرانیان
۱۲۱.....	عاریت دادن زن و ازدواج ابدال
۱۲۳.....	اخلاق در ایران ساسانی
۱۲۵.....	شواهد تاریخی بر فساد اخلاق موبدان
۱۲۶.....	نمونه‌هایی از اخلاق ایران ساسانی
۱۲۷.....	ضعف رشد فرهنگی در ایران ساسانی
۱۲۸.....	درس نهم: خدمات متقابل اسلام و ایران (۴)
۱۲۸.....	کله سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۲۹.....	اعتراف عجیب گوستاو لویون
۱۳۰.....	خدمات تبلیغی و ترویجی ایران به اسلام
۱۳۱.....	داستان ابوالهدیل علاف
۱۳۱.....	دو نمونه از تعصّب ایرانی نسبت به احکام اسلام
۱۳۳.....	آیا پیشرفت اسلام با شمشیر بوده است؟
۱۳۴.....	چگونگی نفوذ فرهنگ اسلامی در میان سایر ممالک و کشورها
۱۳۴.....	الف: اسلام در هند و پاکستان
۱۳۵.....	ب: اسلام در اندونزی
۱۳۶.....	ج: اسلام در چین
۱۳۷.....	استعداد و ذوق ایرانی در خدمت اسلام
۱۳۸.....	خدمت ادبیات فارسی به اسلام
۱۳۹.....	علت مبارزه با زبان عربی

۱۳۹	اهمیت زیان فارسی.....
۱۴۱	که سوالات انگلیزشی و امتحانی.....
۱۴۱	درس دهم: خدمات متقابل اسلام و ایران (۵).....
۱۴۲	تمدن اروپا، مولود تمدن اسلام.....
۱۴۳	گفتاری از اقبال لاهوری.....
۱۴۴	اعتراف گوستاو لویون.....
۱۴۵	نقش اقوام مختلف در ایجاد تمدن اسلامی.....
۱۴۶	سهم ایران در ایجاد تمدن اسلامی و علت گرایش آنها به علم.....
۱۴۷	علم در ایران قبل از اسلام در نگاه مستشرقین.....
۱۴۹	علت بدنامی ایرانی‌ها در زمان ساسانیان.....
۱۴۹	خدمات و ابتكارات ایرانی به علوم اسلامی.....
۱۵۰	خدمات ایرانی‌ها به علم حدیث.....
۱۵۱	ایرانی‌ها و علم تفسیر.....
۱۵۱	ایرانی و لغت و ادبیات عرب.....
۱۵۲	ایرانی و فلسفه و کلام.....
۱۵۲	معرفی بعضی دیگر از دانشمندان ایرانی در علوم اسلامی.....
۱۵۳	عامل محرك ملت‌ها در ترویج اسلام.....
۱۵۴	عوامل پیدایش نهضت شعویه.....

فصل سوم: کتابسوزی

۱۵۸	درس یازدهم: کتابسوزی ایران و مصر.....
۱۵۸	که سوالات انگلیزشی و امتحانی.....
۱۵۹	ادعای بی‌مدرک.....
۱۶۱	آثار علمی و ادبی در ایران ساسانی.....
۱۶۳	ادله «پورداود» و پیروانش بر کتابسوزی اعراب در ایران.....
۱۶۵	دلیل دیگر از جرجی زیدان.....
۱۶۵	نقد و بررسی:.....
۱۶۵	۱. بی‌اعتباری گفتار سرجان ملکم.....
۱۶۶	۲. بی‌سودای دلیل کتابسوزی نیست.....
۱۶۷	۳. توجیه دقیق گفتار ابو ریحان بیرونی.....
۱۶۹	۴. کتابسوزی توسط ایرانیان.....
۱۷۰	نمونه‌های کتابسوزی در تاریخ جهان.....

171.....	ممنوع بودن کتابت و تدوین حدیث در صدر اسلام.....
172.....	آیا خواندن هر کتابی غیر از قرآن و حدیث ممنوع است؟.....
175.....	درس دوازدهم: افسانه کتابسوزی اسکندریه..... که سوالات انگیزشی و امتحانی.....
176.....	کتابسوزی اسکندریه، افسانه یا واقعیت؟.....
176.....	نقد و بررسی گفتار عبداللطیف.....
181.....	نقد و بررسی گفتار «ابو الفرج».....
188.....	نقد و بررسی گفتار حاج خلیفه.....
191.....	عدم وجود کتابخانه در ایران.....
192.....	جربان شعوبی گردی.....
192.....	خلاصه و نتیجه گیری.....
196.....	درس سیزدهم: ریشه جعل و تحریف در تاریخ اسلام.....
196.....	که سوالات انگیزشی و امتحانی.....
197.....	انحطاط مسلمین در تاریخ‌نویسی.....
198.....	مقایسه بین شرقی‌ها و غربی‌ها در تاریخ‌نویسی.....
198.....	سبک شرقی‌ها در تاریخ‌نویسی.....
199.....	سبک غربی‌ها در تاریخ‌نویسی.....
199.....	اشکال کار شرقی‌ها.....
200.....	ضعف سند و استناد در کتب تاریخی متأخرین.....
200.....	توطئه غربی‌ها در قضیه کتابسوزی اسکندریه.....
201.....	انگیزه جعل و تحریف‌ها در تاریخ اسلام.....
201.....	۱. اخلاق عمومی مردم.....
203.....	۲. اختلافات مذهبی و فرقه‌ای.....
204.....	۳. تعصبات ملی و قومی.....
206.....	۴. اختلاط مسلمین با غیر مسلمان‌ها.....
206.....	مقابله علماء با تحریف.....
207.....	نمونه‌ای از مجموعات.....



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از حمد و تسبیح خدای تعالی، سلام و درود خویش را به روان پاک استاد شهید مرتضی مطهری نثار می‌داریم که با شعاع فروزان خود، مردگان را حیات بخشدید و به ظلمت‌ها نور افشارند، معلم شهیدی که پس از گذشت چند دهه از شهادتشان آثار و مأثر باقیمانده از ایشان همچنان از طراوت و سرزندگی خاصی برخوردار بوده، جوابگوی مسائل و نیازهای فکری جامعه می‌باشد. از این رو ولی معظم فقیه آثار ایشان را به عنوان مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی معرفی نموده است.

در طول سالیان پس از شهادت ایشان در تنظیم و چاپ آثار استاد، زحمات زیادی صورت پذیرفته که جای تقدیر و تشکر دارد، اما با توجه به تجربه مستمر طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری و بازخورد نظرات مخاطبین و اندیشه جویان، لزوم بازنگری در نحوه چینش مطالب استاد، مشهود می‌باشد؛ بنا به ضرورت فوق دبیرخانه بینش مطهر به سفارش معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج، اقدام به بازنگری و بازسازی آثار ایشان نموده است.

ضرورت بحث

از مهم ترین راهکارهای مؤثر و خطروناک دشمن در عقب نگهداشتن ملت‌ها مشغول نمودن مردم به تفاخرهای تفرقه‌زا همچون برتری جویی‌های قومی، ملی، نژادی، اقلیمی و مانند آن است. اگر ملتی بخواهد گام‌های تمدن‌ساز جهانی را با استواری و استحکام بردارد

باید تکلیف خویش را با حصارهای تنگ ملیت‌پرستی و تعصبات نژادی و خاکی روشن نماید. ملت تمدن‌ساز باید ابراز کارآمد خاک و نژاد و خون و... را در استخدام اهداف عالی گرفته و پرچم کرامت و بزرگواری انسانیت را بر قلل افکار و قلب‌های بشریت به اهتزاز در آورد و این میسور نیست الا به معرفت‌سازی صحیح در یافتن ربط و نسبت آینین اسلام و ملی گرایی. به همین جهت ارائه پاسخ منطقی به سئوالات اساسی در این خصوص، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

اگر کسی بدون اختیار و انتخاب خود در سرزمینی متولد شد و یا اینکه پدران او به هر دلیلی در جایی سکنا گزیدند آیا معقول است صرف تولد یا ماندگاری پدران در منطقه‌ای، دلیلی برای برتری جویی کسی بر دیگری باشد؟ ایرانی و عرب و اروپایی و آفریقاًی بودن، فارس و کرد و ترک و لر بودن یا نبودن، آیا می‌تواند مایه مباهات برای کسی باشد؟ آیا نژاد و خون آریاًی و عرب و یا ترک و لر و کرد، می‌تواند ارزش تلقی شود؟ آیا زبان فارسی، ترکی، عربی، لاتین مایه مباهات و برتری ایرانی و ترک، عرب و اروپایی بر هم‌دیگر می‌باشد؟ آیا آداب و رسوم باقیمانده از پدران می‌تواند میزان برتری ملتی بر ملت دیگر باشد؟ آیا صرفاً مرزهای اعتباری کشورها که غالباً به دست قدرت‌های ستمگر و بعد از جنگ‌ها و خونریزی‌ها و جنایات‌ها تعیین شده است می‌تواند ملاک مناسبی برای افتخار ملیت یک ملت باشد؟

آنچه که باعث افتخار و مباهات یک ملت است، باید حداقل دو ویژگی داشته باشد: اول اینکه باید مزیتی قابل ارائه به همه جهان داشته و عقل‌پسند باشد و دوم اینکه امری اختیاری و انتخابی باشد. نژاد و محل تولد انسان به انتخاب انسان نیست. هر کسی نژاد، زبان و سرزمینی دارد. در مواجهه با نژاد و سرزمین، فقط چگونه عمل کردن مهم و ملاک سنجش ارزش‌هاست. برای یک سرزمین، مفاخر علمی و دانشمندان مایه مباهات‌اند. اگر مردمی در ساختن تاریخ در مسیر محسن و مکارم بشری تلاش کرده و پیشتاز فضائل انسانی شد، آنان حق افتخار دارند؛ اما اگر ظلم و جنایت و تعدی کردند، باعث سرافکنندگی بشریت بوده و دلیلی برای افتخار کردن ندارند. مایه افتخار ملت ایران، شیخ صدوق، ملاصدرا، بوعلی سینا، شیخ مفید، شیخ طوسی، حافظ، مولوی، سعدی، خواجه نصیر و صدها اندیشمند بزرگ و مردمانی است که در مسیر تعالی و تکامل بشریت گام برداشته‌اند. افرادی چون آقامحمدخان قاجار، بابک خرمدین و داریوش درازدست و صدها جنایتکار دیگر نمی‌توانند مایه افتخار و مباهات مردم ایران باشند. اینها ننگ تاریخ این ملت‌اند همان‌طور که چنگیزخان مغول، هیتلر و دیگر جنایتکاران تاریخ ننگ ملت خود و جهان بشریت‌اند. مرید فضیلت‌ها و ارزش‌های فراتر از مرزاها و تعصبهای بودن، مایه رشد

و بالندگی است و در مقابل، ماندن در قید و بندهای حقیر و کوچکی مانند قومیت و نژاد، ملت‌ها را گرفتار می‌نماید. اگر افتخار ایرانی افتخار انسانی و بشری بود، اگر آداب و رسوم ایرانی با محک عقلی انسانی سنجیده شد، اگر زبان ایرانی، زبان رشد و بالندگی فرهنگی ایرانی سرزمین ایران، مهد پرورش انسان‌های فرهیخته گردید، اگر افتخار جوان ایرانی، شد، اگر نزدیکی و همسویی با اندیشمندان و عالمان این دیار باشد، در این صورت ایرانی بودن افتخاری بس بزرگ است، ولی اگر ایرانیت خلاصه در یک سلسه شعارها و برتری جویی‌های توخالی گردد، اگر تقلیدهای ویرانگر از دیگران در کوی و برزن این جامعه رواج پیدا کرد، اگر قدمت فرهنگ ایرانی محصور در چهارشنبه سوری و سیزده بدر و تعطیلی عقل شود، این ایرانیت نه تنها هیچ فایده‌ای ندارد، بلکه ماندن در کهنگی و عقب افتادگی است. افتخار به شهر و قومیت هم همین‌طور است. اگر افتخار آذری‌زبان‌ها به بزرگانی همچون مقدس اردبیلی، علامه طباطبائی، استاد شهریار و دیگر مفاخر علمی آن ارزش است، اگر شیرازی به ملاصدرا و حافظ نازید، اگر همدانی با سیدجمال دیار باشد، این زادگاه و بوعلی سینا همراه شد، اگر هر شهری برتری شهر خود را به مفاخر خود اسدآبادی و میرزا کوچکی در این شهر است، ولی هیچ تناسبی بین وضعیت عمومی آن دانست و خود در مسیر اهداف او قدم گذاشت، این افتخار واقعی است. ولی اگر گفته شد زادگاه و یا مدفن بزرگواری در این شهر است، ولی هیچ تناسبی بین وضعیت عمومی آن شهر با آن بزرگوار برقرار نشد. این، نه تنها افتخار نیست، بلکه باعث سرافکنگی آن مردم است که نتوانسته‌اند همچون او، تربیت یافته و تربیت نمایند. مردم هر شهری اگر در مسیر زندگانی دانشمندان و اندیشمندان خود قدم برداشته و عالمانه و علاقه‌مندانه در مسیر تحقق اهداف آن بزرگواران تلاش نمایند، در این صورت مردم آن شهر یا کشور می‌توانند به شهر و کشور خود افتخار کنند، ولی اگر تلاش‌ها فقط صرف تزیین زادگاه این بزرگان شد، دیگر نمی‌توان به اصفهانی بودن یا خمینی و بروجرد و نجفی و... بودن افتخار کرد. استفاده از زادگاه و نژاد و خون و قدمت، عاملی برای حرکت به سوی ارزش‌های انسانی و فضیلت است، ولی ماندن در این نوع مسائل، مضر و ویرانگر است.

در جامعه امام زمانی و مهدوی ع نیز همه مرزهای اعتباری کشورها برچیده می‌شود و ارزش‌ها به فضیلت‌های واقعی باز می‌گردد. ملاک رشد یک ملت حرکت به سمت جامعه آرمانی امام زمانی ع است و نشان عقب افتادگی مردم و یا قوم و شهری گرفتار شدن در تعصبات و عقاید خرافی و بی‌ارزش است.

بنا به اهمیت این مسئله، استاد شهید یکی از حیطه‌های فعالیت علمی خویش را به مسئله ملی گرایی و ربط و نسبت آن با اسلام قرار دادند و اقدام به سخنرانی و قلم زدن در این خصوص نمودند.

ویژگی کتاب «اسلام و ملی گرایی»

۱- کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» انتشارات صدرا کتابی بسیار حجمی و به نوعی مرجع می‌باشد، همین بالا بودن حجم سبب محرومیت بسیاری از اندیشه‌جویان از مطالعه آن می‌شود. اما کتاب «اسلام و ملی گرایی» در عین پوشش محتوای آن کتاب به جهت حجم کمتر، برای سیر مطالعاتی مناسب می‌باشد. در عین حال کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» انتشارات صدرا به عنوان منبعی برای تحقیق بیشتر پیشنهاد می‌گردد.

۲- کتاب «اسلام و ملی گرایی» شامل سه فصل می‌باشد که فصل اول آن مطابق فصل اول کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» از انتشارات صدرا می‌باشد.

فصل دوم کتاب، مشتمل بر پنج سخنرانی استاد می‌باشد که برای اولین بار از نوار پیاده شده است. این سخنرانی‌ها در حالی ایراد شده است که رژیم طاغوت به مباحث افراط‌گرایانه ایران‌پرستی اهتمام می‌ورزید. در این سخنرانی‌ها چکیده مباحث کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» انتشارات صدرا ارائه شده و به دلیل اختصار و جذابیت بیان استاد مطهری در این سخنرانی‌ها، مطالب آن از جاذبه بیشتری نسبت به مباحث طولانی و بعض‌اً تخصصی آن کتاب برخوردار است.

فصل سوم کتاب، شامل فصل مربوط به کتابسوزی ایران و مصر از کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» به ضمیمه یک سخنرانی از استاد با موضوع «علل تحریفات تاریخی در میان مسلمانان» می‌باشد. این سخنرانی در ادامه دو جلسه سخنرانی دیگر با موضوع کتابسوزی بوده است که متأسفانه نوار آن دو جلسه در دسترس نیست.

۳- به جهت استفاده بیشتر مخاطب مطالب به صورت درسی اراده شده و سوالات امتحانی و انگیزشی هر درس در ابتدای آن قرار داده شده است.

۴- یکی از مشکلات مخاطبین آثار شهید مطهری، بعض‌اً مواجهه با واژه‌ها و مفاهیمی است که اندیشه‌جو احساس می‌کند معانی آنها را نمی‌داند؛ بدین سبب ممکن است به تصور سختی متن، ادامه مطالعه را رها نماید. برای رفع این مشکل، به توضیح واژه‌هایی که احیاناً برای مخاطب دشوار است، در پاورپوینت پرداخته شده است.

۵- مطالعه، مباحثه و تدریس این کتاب برای سه هفته در نظر گرفته شده است و برنامه زمان‌بندی مطالعاتی و مقررات این کتاب به شرح زیر می‌باشد:

۷۰ صفحه	درس اول تا پنجم	هفته اول
۷۰ صفحه	درس ششم تا دهم	هفته دوم
۵۰ صفحه	درس یازدهم تا سیزدهم	هفته سوم

۶- ترتیب کتاب‌های آثار شهید مطهری در چهار سطح طراحی شده و مرحله‌بندی آنها در سیر مطالعاتی آسان به مشکل با رویکرد موضوعی و همچنین جایگاه این کتاب در این برنامه به این شرح می‌باشد:

سطوح چهار گانه سیر مطالعاتی بینش مطهر (۴۰ کتاب در ۱۱ مرحله و چهار سطح)

سطح چهار	سطح سه	سطح دو	سطح یک
مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول
۳۱. نهجی به نهج البالغه	۲۲. اسلام و ملی گرایی	۱۳. تربیت و رشد اسلامی	۱. بینش مطهر
۳۲. علم اخلاق	۲۳. بیداری اسلامی	۱۴. عقل و علم	۲. آزادی انسان
۳۳. معرفت‌شناسی	۲۴. ولایت فقیه و روحانیت	۱۵. اخلاق اسلامی	۳. آزادی بندگی
۳۴. عرفان اسلامی	۲۵. احیای تفکر دینی و علل دین گریزی	۱۶. عدالت	۴. خدا در زندگی انسان
مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم
۳۵. خداشناسی	۲۶. اسلام و توسعه اسلام، جلد اول (مبانی)	۱۷. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد اول (مبانی)	۵. سیره نبوی
۳۶. عدل و قدر		۱۸. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد دوم	۶. تبلیغ
۳۷. جامعه‌شناسی و تاریخ	۲۷. پایان پیامبری	۷. مسئله نفاق	۷. سیره امیر المؤمنین
مرحله سوم	مرحله سوم	مرحله سوم	مرحله سوم
۳۸. پیامبر‌شناسی	۲۸. انسان‌شناسی	۹. نهضت حسینی	۹. نهضت حسینی
۳۹. امام‌شناسی	۲۹. فطرت انسان	۱۰. امریه معروف و نهی از منکر	۱۰. امریه معروف و نهی از منکر
۴۰. رستاخیز	۳۰. کمال انسان و انسان کامل	۱۱. سیره معصومین	۱۱. سیره معصومین
		۱۲. مهدویت	۱۲. مهدویت

کتب ضممان (۱- اقتصاد اسلامی -۲- تاریخ عقاید اقتصادی -۳- کتب مباحث فلسفی)

* مفاد کلیه مباحث تفسیری استاد در کتب بینش و رفتار قرآنی توسط انتشارات بینش مطهر به چاپ رسیده است.

در پایان با توجه به اینکه ممکن است در چینش مطالب کتاب، بتوان با نظم و ترتیب - بندی بهتر، نتیجه مناسب‌تری از تأثیر مباحث استاد مطهری برای مخاطبین این اندیشه‌های بلند حاصل گردد، از مخاطبین و اندیشه‌جویان این آثار گران‌سنگ متواضعانه درخواست می‌گردد، ما را از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند فرمایند.

و من الله التوفيق

دبیرخانه بینش مطهر

سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی



فصل اول

اسلام از نظر ملت ایران

درس اول: اسلام، از نظر ملیت ایران

که سوالات انگیزشی و امتحانی

۱. ملیت پرستی چیست و چه آثاری - اعم از مثبت یا منفی - دارد؟ فکر ملیت پرستی چه تبعاتی را در کشورهای اسلامی که هر کدام ملیت مختلفی داشتند پدید آورد؟
۲. چرا با توجه به اینکه همه می دانند که هر گز ایرانی امروز به دین زرتشتی برنخواهد گشت، ولی معذلک تبلیغات زرتشتی گری همچنان ادامه دارد؟
۳. کلمه «ملت» به چه معناست؟ آیا مفهوم این کلمه در قرآن با آنچه امروزه در زبان فارسی مصطلح است، یکی است؟ این کلمه چه شباهتی با کلمه «مکتب» دارد؟
۴. آیا این مطلب حقیقت دارد که ما ایرانی‌ها از نژاد آریا و اعراب از نژاد سامی می‌باشند؟ آیا پس از این همه امتزاج‌ها و اختلاط‌ها میان ملل مختلف دیگر اثری از نژادها باقی مانده است؟
۵. ناسیونالیسم چیست؟ آیا ناسیونالیسم بار معنایی مثبتی هم دارد یا اینکه این واژه، صرفاً واژه‌ای منفی است؟
۶. ملاک و مقیاس ملیت چیست؟ آیا صرف اینکه یک چیزی از میان یک مردمی برخاسته باشد می‌توان آن را ملاک خودی و ملی بودن دانست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

ما و اسلام

به طوری که تاریخ شهادت می‌دهد، ما ایرانیان در طول زندگانی چندین هزار ساله خود با اقوام و ملل گوناگون عالم، به اقتضای عوامل تاریخی گاهی روابط دوستانه و گاهی روابط خصم‌انه داشته‌ایم. یک سلسله افکار و عقاید در اثر این روابط از دیگران به ما رسیده است، همچنان‌که ما نیز به نوبه خود در افکار و عقاید دیگران تأثیر کرده‌ایم. هرجا که پای قومیت و ملیت دیگران به میان آمده مقاومت کرده و در ملیت دیگران هضم نشده‌ایم، و در عین اینکه به ملیت خود علاقه‌مند بوده‌ایم این علاقه‌مندی زیاد، تعصب‌آمیز و کورکورانه نبوده و سبب کوریاطنی ما نگشته است تا ما را از حقیقت دور نگاه دارد و قوه تمیز را از ما بگیرد و در ما عناد و دشمنی نسبت به حقایق به وجود آورد.

از ابتدای دوره هخامنشی که تمام ایران کنونی به اضافه قسمت‌هایی از کشورهای همسایه تحت یک فرمان درآمد، تقریباً دو هزار و پانصد سال می‌گذرد. از این بیست و پنج قرن، نزدیک چهارده قرن آن را ما با اسلام به سر برده‌ایم و این دین در متن زندگی ما وارد و جزء زندگی ما بوده است؛ با آداب این دین کام اطفال خود را برداشته‌ایم، با آداب این دین زندگی کرده‌ایم، با آداب این دین خدای یگانه را پرستیده‌ایم، با آداب این دین مرده‌های خود را به خاک سپرده‌ایم. تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، قضاؤت و دادگستری ما، فرهنگ و تمدن ما، شئون اجتماعی ما، و بالاخره همه چیز ما با این دین توأم بوده است. نیز به اعتراف همه مطلعین، ما در این مدت خدمات ارزنده و فوق العاده و غیرقابل توصیفی به تمدن اسلامی نموده‌ایم و در ترقی و تعالی این دین و نشر آن در میان سایر مردم جهان، از سایر ملل مسلمان - حتی خود اعراب - بیشتر کوشیده‌ایم. هیچ ملتی به اندازه ما در نشر و اشاعه و ترویج و تبلیغ این دین فعالیت نداشته است.

بنابراین حق داریم روابط اسلام و ایران را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم و سهم خود را در نشر معارف اسلامی و نیز سهم اسلام را در ترقی مادی و معنوی خویش با دقت کامل و با اتکا به مدارک معتبر تاریخی روشن نماییم.

ملیت‌پرستی در عصر حاضر

یکی از مسائلی که در قرن حاضر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است مسئله «ملیت» است. در این روزها بسیاری از ملل عالم از جمله مسلمانان ایرانی و غیرایرانی به

این مسئله توجه خاصی پیدا کرده‌اند و حتی برخی از آنان به قدری در این مسئله غرق شده‌اند که حد و حسابی برای آن نمی‌توان قائل شد.

حقیقت این است که مسئله ملیت‌پرستی در عصر حاضر برای جهان اسلام مشکل بزرگی به وجود آورده است. گذشته از اینکه فکر ملیت‌پرستی برخلاف اصول تعلیماتی اسلامی است (زیرا از نظر اسلام همه عناصرها علی‌السواء هستند) این فکر مانع بزرگی است برای وحدت مسلمانان.

چنان‌که می‌دانیم جامعه اسلامی از ملل مختلفی تشکیل شده است و در گذشته، اسلام از ملل مختلف و گوناگون یک واحد به وجود آورد به نام جامعه اسلامی. این واحد اکنون نیز واقعاً وجود دارد؛ یعنی واقعاً در حال حاضر یک واحد بزرگ هفتصد میلیونی^۱ وجود دارد که فکر واحد و آرمان واحد و احساسات واحد دارد و همبستگی نیرومندی میان آنان حکم‌فرماست. هر اندازه جدایی میان آنهاست مربوط به خود آنان نیست، مربوط به حکومت‌ها و دولت‌ها و سیاست‌های است، و در قرون جدید قدرت‌های اروپایی و آمریکایی عامل اساسی این جدایی هستند. با همه اینها، هیچ یک از این عامل‌ها نتوانسته است اساس این وحدت را که در روح مردم قرار دارد از بین ببرد. به قول اقبال لاهوری:

امر حق را حجت و دعوی یکی است خیمه‌های ما جدا دل‌ها یکی است
از حجاز و چین و ایرانیم ما شبنم یک صبح خندانیم ما

افرادی از همین واحد، همه‌ساله یک اجتماع تقریباً یک و نیم میلیون نفری را در مراسم حج تشکیل می‌دهند.

اما از این طرف، فکر ملیت‌پرستی و نژادپرستی فکری است که می‌خواهد ملل مختلف را در برابر یکدیگر قرار دهد. این موج در قرون اخیر در اروپا بالا گرفت. شاید در آنجا طبیعی بود، زیرا مکتبی که بتواند ملل اروپا را در یک واحد انسانی و عالی جمع کند وجود نداشت. این موج در میان ملل شرقی به وسیله استعمار نفوذ کرد. استعمار برای اینکه اصل «تفرقه بین‌دار و حکومت کن» را اجرا کند، راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان بکند و آنها را سرگرم افتخارات موهوم نماید؛ به هندی بگوید تو سابقهات چنین است و چنان، به ترک بگوید نهضت جوانان ترک ایجاد کن و «پان‌ترکیسم» به وجود آور، به عرب - که از هر قوم دیگر برای پذیرش این تعصبات آماده‌تر است - بگوید روی عروبت و «پان‌عربیسم» تکیه کن، و به ایرانی بگوید نژاد تو آریاست و تو باید حساب خود را از عرب که از نژاد سامی است جدا کنی.

۱. [این رقم مربوط به زمان نگارش کتاب است].

فکر ملیت و تهییج احساسات ملی احیاناً ممکن است آثار مثبت و مفیدی از لحاظ استقلال پاره‌ای از ملت‌ها به وجود آورد، ولی در کشورهای اسلامی بیش از آنکه آثار خوبی به بار آورده، سبب تفرقه و جدایی شده است. این ملت‌ها قرن‌هاست که این مرحله را طی کرده‌اند و پا به مرحله عالی‌تری گذاشته‌اند. اسلام قرن‌هاست که وحدتی بر اساس فکر و عقیده و ایدئولوژی به وجود آورده است. اسلام در قرن بیستم نیز نشان داده است که در مبارزات ضداستعماری می‌تواند نقش قاطعی داشته باشد. در مبارزاتی که در قرن بیستم به وسیله مسلمانان بر ضد استعمار صورت گرفت و متنهی به نجات آنها از چنگال استعمار شد، بیش از آنکه عامل ملیت تأثیر داشته باشد عامل اسلام مؤثر بوده است از قبیل مبارزات الجزایر، اندونزی، کشورهای عربی و پاکستان.

آری، این ملت‌ها قرن‌هاست نشان داده‌اند که با انگیزه فکری و اعتقادی و براساس یک ایدئولوژی می‌توانند وحدت به وجود آورند و قیام کنند و خود را از چنگال استعمارگران نجات دهند. سوق دادن چنین مردمی به سوی عامل احساس ملیت حقاً جز «ارتجاع» نامی ندارد.

به هر حال موج عنصرپرستی و نژادپرستی که سلسله‌جنبان آن اروپاییان‌اند مشکل بزرگی برای جهان اسلام به وجود آورده است. می‌گویند علت اینکه مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی ملیت خود را مخفی می‌کرد این بود که نمی‌خواست خود را به یک ملت معین وابسته معرفی کند و احیاناً بهانه‌ای به دست استعمارچیان بدهد و احساسات دیگران را علیه خود برانگیزد.

ما به حکم اینکه پیرو یک آیین و مسلک و یک ایدئولوژی به نام اسلام هستیم که در آن عنصر قومیت وجود ندارد، نمی‌توانیم نسبت به جریان‌هایی که بر ضد این ایدئولوژی تحت نام و عنوان ملیت و قومیت صورت می‌گیرد بی‌تفاوت بمانیم. همه می‌دانیم که در این اواخر افرادی بی‌شمار تحت عنوان دفاع از ملیت و قومیت ایرانی مبارزه وسیعی را علیه اسلام آغاز کرده‌اند^۱ و در زیر نقاب مبارزه با عرب و عربیت مقدسات اسلامی را به

۱. مثله قومیت و ملیت پرستی در کشورهای عربی نیز روزبه روز بالا می‌گیرد، به طوری که گروه‌بی‌شماری از مردم این کشورها با آنکه مسلمان هستند، با تعصب خاصی تنها به جنبه عربیت خود تکیه می‌کنند، و این خود همچنان که می‌دانیم نوعی مبارزه است با مقیاس‌های وسیع اسلامی که تنها به جنبه‌های انسانی و معنوی متکی است. نیز همان‌طور که می‌دانیم زیان این کار در درجه اول متوجه خودشان گردیده است و با آن‌همه کثرت جمعیت و مصالح چنگی نتوانسته‌اند با اسرائیل‌ها برابری نایند. و بدون شک اگر اعراب به نیروی مذهبی، خود تکیه می‌کردند، هرگز دچار چنین شکستی نمی‌شوند. یکی از نویسندهای پاکستانی نوشته بود: در جنگِ زوئن اعراب و اسرائیل، نیروی مذهبی یعنی صهیونیسم بر نیروی قومیت غلبه کرد. اگرچه در این بیان نوعی اغراق و مبالغه وجود دارد، یعنی عامل مذهب را در صهیونیسم زیاد دخالت داده است (زیرا در قوم یهود همیشه نزد بر مذهب غلبه داشته و دارد) ولی از آن جهت که انتقام بی‌معنی اعراب را بر عربیت تخطه می‌کند صحیح است.

باد اهانت گرفته‌اند. آثار این مبارزه با اسلام را که در ایران در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات هفتگی و غیره می‌بینیم نشان می‌دهد یک امر اتفاقی و تصادفی نیست، یک نقشه حساب شده است و منظوری در کار است.

تبليغات زرتشتی گری نیز که اين روزها بالا گرفته و مد شده، یک فعالیت سیاسی حساب شده است. همه می‌دانند که هرگز ایرانی امروز به دین زرتشتی برخواهد گشت، تعالیم زرتشتی جای تعالیم اسلامی را نخواهد گرفت، شخصیت‌های مزدکی و مانوی و زرتشتی و همه کسانی که امروز تحت عنوان دروغین، ملی معرفی می‌شوند و هیچ صفت مشخصه‌ای جز انحراف از تعالیمات اسلامی نداشته‌اند - خواه آنکه رسماً به نام مبارزه با اسلام فعالیت کرده باشند یا مبارزه با قوم عرب را بهانه قرار داده باشند- هرگز جای قهرمانان اسلامی را در دل ایرانیان نخواهد گرفت، هرگز المقنع و سنباد و بابک خرم‌دین و مازیار جای علی بن ابی طالب علیهم السلام و حسین بن علی علیهم السلام و حتی سلمان فارسی را در دل ایرانیان نخواهد گرفت. اینها را همه می‌دانند.

ولی در عین حال جوانان خام و بی‌خرد را می‌توان با تحریک احساسات و تعصبات قومی و نژادی و وطنی علیه اسلام برانگیخت و رابطه آنان را با اسلام قطع کرد؛ یعنی اگرچه نمی‌شود احساسات مذهبی دیگری به جای احساسات اسلامی نشانید، ولی می‌شود احساسات اسلامی را تبدیل به احساسات ضد اسلامی کرد و از این راه خدمت شایانی به استعمارگران نمود. لهذا می‌بینیم افرادی که به کلی ضد دین و ضد مذهب و ضد خدا هستند، در آثار خود و نوشته‌های پوچ و بی‌مغز خود از زرتشتی گری و اوضاع ایران قبل از اسلام حمایت می‌کنند. هدف‌شان روش و معلوم است.

منطق و روش ما در بحث

ما می‌خواهیم در این بحث خود با همان منطقی که این افراد به کار می‌بندند وارد بحث شویم؛ یعنی منطق ملیت و احساسات ملی و ناسیونالیستی؛ آری با همین منطق، هرچند توجه داریم که به قول اقبال پاکستانی «ملت‌پرستی، خود نوعی توحش است»؛ توجه داریم که احساسات ملی تا آنجا که جنبه مثبت داشته باشد و نتیجه‌اش خدمت به هموطنان باشد قابل توجه است، ولی آنجا که جنبه منفی به خود می‌گیرد و موجب تبعیض

در سال گذشته (سال ۱۳۸۷ قمری) که به حج مشرف بودیم، در مؤتمر «رابطة العالم الاسلامی» یکی از دانشمندان عرب سخنرانی بلیغی کرد و در ضمن سخنرانی فریاد می‌زد: «والله لم يدخل الاسلام المعركة قط»، به خدا قسم که در این مبارزه اصولاً پای اسلام داخل نشده بود، اسلام هرگز وارد معركه نشد، اسلام نبود که با اسرائیل می‌جنگید، عربیسم بود که با صهیونیسم می‌جنگید.

در قضاوت، در دیدن و ندیدن خوبی‌ها و بدی‌ها، و در جانبداری‌ها می‌شود ضد اخلاق و ضد انسانیت است؛ توجه داریم که منطق عالی‌تری از منطق احساسات ملی و ناسیونالیستی وجود دارد که طبق آن منطق، علم و فلسفه و دین فوق مرحله احساسات است. احساسات قومی و غرورهای ملی در هر کجا مطلوب باشد، در جستجوهای علمی و فلسفی و دینی مطلوب نیست. یک مسئله علمی یا یک نظریه فلسفی یا یک حقیقت دینی را هرگز به دلیل اینکه ملی و وطنی است نمی‌توان پذیرفت، همچنان‌که به بهانه اینکه بیگانه و اجنبی است نمی‌توان نادیده گرفت و رد کرد. راست گفته آن که گفته است: «علم و دین و فلسفه وطن ندارد، همه‌جایی و همگانی است»، همچنان‌که رجال علم و رجال دین و رجال فلسفه نیز وطن ندارند، جهانی می‌باشند، به همه جهان تعلق دارند، همه‌جا وطن آنهاست و همه جهانیان هموطن آنها هستند. آری همه اینها را می‌دانیم.

اما ما فعلًا به این منطق عالی عقلی و انسانی کاری نداریم. می‌خواهیم با همان منطق احساساتی که شایسته انسان‌های تکامل‌نیافته است وارد بحث شویم. می‌خواهیم ببینیم با منطق احساسات ملی، آیا باید اسلام را امری خودی به شمار آوریم یا امری بیگانه و اجنبی؟ آیا با مقیاس ملیت، اسلام جزء ملیت ایرانی است و احساسات ناسیونالیستی ایرانی باید آن را دربر گیرد یا خارج از آن است؟

از این رو باید بحث خود را در دو قسمت ادامه دهیم: اول درباره مقیاس «ملیت»؛ یعنی ملاک اینکه چیزی را جزء ملیت یک قوم یا خارج از ملیت یک قوم قرار دهیم چیست؟ قسمت دوم درباره اینکه طبق این مقیاس، آیا اسلام از نظر ملیت ایرانی یک امر «خودی» است یا یک امر بیگانه و اجنبی؟ در واقع بحث ما کبراًی دارد و صغراًی؛ قسمت اول کبراًی بحث است و قسمت دوم صغراًی بحث. ضمناً مقایسه‌ای نیز از این جهت میان اسلام و زرتشتی‌گری به عمل خواهد آمد؛ معلوم خواهد شد که با معیارها و مقیاس‌های ملی، آیا اسلام بیشتر جنبه ملی ایرانی دارد یا زرتشتی‌گری؟

واژه «ملت»

کلمه «ملت» کلمه‌ای عربی است و به معنی راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنی آمده است.^۱ این کلمه [پانزده]^۲ بار (در ۱۵ آیه) در قرآن کریم آمده

۱. مواردی که در قرآن کریم کلمه «ملت» استعمال شده است عبارتند از:
بقره / ۱۲۰ و ۱۳۰ و ۱۲۵؛ آل عمران / ۹۵؛ ناء / ۱۲۵؛ انعام / ۱۶۱؛ اعراف / ۸۸ و ۸۹؛ یوسف / ۳۷ و ۳۸؛ ابراهیم / ۱۳.

۲. حل / ۱۲۳؛ کهف / ۲۰؛ حج / ۷۸؛ ص / ۷.

۳. [در آخرین چاپ زمان استاد «هقدۀ آمده است.]]

پنجمین احمد نور

آمده که از بست

که توانم بگویم بی شناهدارش خوب است

بله دندر زیری نیز ام که هر چشم سوکه طلاق و اشیان
و سل جون بورگ تابه ای شید مطهری (ره) مطالعه نیاند

بیانات ولی معظم فقیه در دیدار با مسئول و استادان طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری

من این کار را کار ذی قیمتی می دانم. اولاً خود شما جوان های اهل فضل و اهل تحقیق و دارای ایمان، با انگیزه، علاقه وافر و نیروی جوانی این کار را شروع کرده اید. این خیلی با اهمیت است. از هر کجا که شروع کرده باشد، فکر می کنم این کار آینده خیلی خوبی خواهد داشت؛ چون عشق و ایمان دارید...

توصیه می کنم کار را جدی بگیرید.

مرحوم شهید مطهری (ره) مرد بسیار عمیقی بود و از ارزش های لازم برای این تحقیقات برخوردار بود. فلسفه می دانست، کلام می دانست، فقه و تاریخ می دانست. خودش مرد با فکری بود. بسیار پرمغز و فکور و عمیق بود. در هر بحثی وارد می شد، زوایایی بحث را کاوش می کرد. بنابراین آثارش خیلی با ارزش است. یک وقت من به دوستان طلب توصیه می کردم که اگر کسی فقط آثار وی را با دقت و به طور کامل بخواند، کافی است که او را به یک سطح راقی از معارف اسلامی برساند. حالا شما اینها را تخلیص و تلخیص کرده اید و به صورت برنامه ریزی شده تهیه کرده اید که قابل تقدیر است...